

فریاد خاموشان

(معرفی کتاب)

علی امینی
شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۱

«خاموشی يك فریاد»

گفتگو پیرامون رویدادهای ایران امروز

مهدی خانباها تهرانی

چاپ اول: آلمان ، بهار ۱۳۸۱

در این کتاب گفتگوهایی گرد آمده است که رادیوهای فارسی زبان گوناگون خارج از کشور با مهدی خانباها تهرانی انجام داده اند، از اوایل ژانویه ۱۹۹۹ تا آخر اوت سال ۲۰۰۱ - یعنی در یکی از پرمجراترین و بغرنج ترین ادوار تاریخ معاصر میهن ما. تهرانی بر مهمترین رویدادهای این دوران ، که بدبختانه بیشتر آنها سرشستی فاجعه بار دارند، روشنی می افکند و خواننده (یا در اصل شنونده) را با رویه ی پنهان یا پشت پرده ی ماجراها آشنا می کند.

دید تحلیلی قوی ، حضور ذهن فوق العاده و آشنایی مهدی خانباها تهرانی با وقایع ریز و درشت سیاسی ، به تفسیرهای سیاسی او ویژگی خاصی می بخشد. او، برخلاف برخی از همکارانش ، يك ژورنالیست «كعب الاخبار» و خبرفروش نیست. دستمایه ی کار تحلیلی او غالباً همین اخبار علنی است که در دسترس همه ی ماست. این ژرف بینی سیاسی اوست که به او قدرت می دهد، پشت وقایع را ببیند، ارتباط پنهان آنها را با یکدیگر کشف کند، و احتمالاً روند آینده ی آنها را حدس بزند. چنانکه در این کتاب برخی از پیش بینی های او مثلاً درباره ی رشد جنبش دانشجویی یا انزوای روزافزون چهره ی پراهمیتی مانند هاشمی رفسنجانی به واقعیت پیوسته است.

تجربه ی سیاسی شخص تهرانی ، به عنوان کسی که حدود پنجاه سال از زندگی خود را ناظر یا بازیگر میدان سیاست بوده ، آشنایی نزدیکش با زیر و بمهای سیاسی دوران معاصر و شناخت دقیقش از نقش و عملکرد بازیگران سیاسی گوناگون ، به تحلیل های او قدرتی می دهد که در کارهای مشابه کمترین دیده ایم. برای نمونه او به خوبی می داند که با فعالان سیاسی هوادار اصلاحات در ایران ، با چهره هایی مانند شیرین عبادی و احمد زیدآبادی چگونه گفتگو کند و در برخورد با مهره هایی از قبیل اردشیر زاهدی ، که با آنها هیچ تجانسی ندارد، چه موضعی داشته باشد.

نکته ای که باید به خاطر داشت این است که تهرانی يك مفسر «بی طرف» به معنای متعارف یا حرفه ای آن نیست. او آدمی سیاست زده یا به اصطلاح «کرم خبر» نیست. او درد میهن دارد، و این درد را در هر جمله و عبارت او می توان دید. او برای خودنمایی یا از روی شهوت کلام زبان باز نمی کند. هر گفتگوی او آهی است که از دل دردمندش برمی خیزد و نیشتری است که بر تن دشمنان مردم فرو می کند. در پایان يك مصاحبه می گوید: «من گاه که به سرنوشت مردمان فکر می کنم ، نمی توانم از بروز احساساتم جلوگیری کنم. گاه بعد از مصاحبه با رادیوهای مختلف ، نیم ساعتی در تنهایی خودم گریه می کنم. جامعه دارد لت و پار می شود. مردم و زندگی مردم را آتش زدند، فقط برای اینکه ۱۰ سال دیگر زمام قدرت را در دست داشته باشند.»

کتاب عنوان جالبی دارد و می توان آن را ادای دینی دانست به قربانیان قتل های زنجیره ای: مختاری ، پوینده ، فروهرها و... ترجمه ی عنوان انگلیسی کتاب از این هم گیراتر است: «فریاد خاموشان» که مرا به یاد نکته ای انداخت که از دور به خاطرمانده و به ساکو و وانزتی مربوط می شود. این دو کارگر مبارز ایتالیایی در آمریکا دستگیر شدند و با اینکه هیچ مدرکی برای گناهکاری آنها وجود نداشت ، توسط دادگاه ماساچوست محکوم گشتند و در سال ۱۹۲۷ اعدام شدند. روی سنگ گور آنها این عبارت حك شده است: «روزي فرا مي رسد كه بانگ خاموش ما از دل گور رساتر از عريده ی قاتلانمان به گوش ها خواهد رسيد.» این پیش بینی به واقعیت پیوست ، ساکو و وانزتی به عنوان دو چهره ی برجسته ی جنبش کارگری به تاریخ پیوستند، و قاضیان والامقامی که مرگ آنها را تدارك دیدند را مردم امروز به همان نامی می شناسند که سزاوارشان بود: قاتل. در ایران هم جز این نیست. نام مختاری ها و فروهرها به تاریخ پیکار مردم ایران در راه آزادی و عدالت پیوسته است ، و قاتلانسان؟ اولی در حمام واجبی خورده است (یا به او واجبی خورنده اند!)، دومی با خفت و خواری از مردم عذر می خواهد، و سومی.... و رهبرشان در راه است.